



دیدارها و یادگارها

حبیب یغمائی

قسمت هفتم

خاطرات مدیر مجله یغما

از بزرگان نویسندگانی که به مجله یغما و این بنده لطف بی کران داشت مرحوم دکتر قاسم سبزواری بود. دکتر غنی شخصیتی با ادب و شیرین سخن و لطیف طبع بود. به حافظ ارادتی خاص داشت و در تصحیح غزلیات حافظ با مرحوم علامه قزوینی همکاری می کرد و باین مناسبت درباره زمان و عصر حافظ تألیفاتی دارد که در مباحث عرفانی بی همتاست. او چند وقت وزیر فرهنگ بود و مدتی سفارت ایران را در کشور مصر متعهد بود. با مرحوم دکتر علی اکبر فیاض دوستی و خصوصیت داشت. ناآنجاکه تاریخ بیبختی را به کومک یکدیگر تصحیح و چاپ کردند. مقاله ای در روابط خود با علامه قزوینی در مجله یغما دارد که از لطف و زیبایی سرشار است. چنان که اگر شخصی مکرر هم بخواند ملول نمی شود. در آخرین سفر خود به اروپا و امریکا به درخواست ملکی خانم قشقائی (بیات) رساله ای در عرفان و تصوف نوشت و ملکی خانم آن رساله را به مجله یغما برای چاپ داد. دکتر غنی در ضمن



دکتر قاسم غنی

دکتر قاسم غنی در سالهای اخیر زندگی یادداشتهای روزانه و نوشته های ادبی پراکنده می نوشت که در عده ای از آنها فواید و اطلاعات خوب مندرج است. فرزندش سیروس غنی چهار جلد از آنها را در لندن به چاپ رسانیده و بطوری که در مقدمه آنها نوشته است هنوز چهار پنج جلد دیگر در پی خواهد داشت. (آینده)

نامه‌ای ستایش‌آمیز از مدیر مجله تصریح فرموده بود که متصدی چاپ رساله مجله یغما باشد. وقتی آن مقاله مفصل طومارمانند به من سپرده شد و مطالعه کردم دریافتم که عبارات آن مشوش و مکرر و آشفته است و این موضوع را با ذکر فیاض در میان گذاشتم. چون در آن هنگام دکتر غنی در بیمارستان آمریکا می‌زیست مجال نداشت که از نو مطالعه فرماید. به‌ناگزیر به نظر خودم مطالب را تجزیه و تفکیک کردم و به هر قسمت عنوانی خاص دادم. مرحوم دکتر فیاض هم مقدمه‌ای بسیار مستدل در احوال دکتر غنی نوشت و جمال‌زاده هم شرح احوال از ملکی خانم تحریر فرمود و این رساله با این مقدمات و آخرین تصویر از دکتر غنی بنام بحثی در تصوف انتشار یافت و آن رساله‌ای است پر مغز و دقیق و خوش عبارت با چاپ و کاغذ بسیار خوب که اکنون حتی یک جلد از آن را هم ندارم.

* * *

باری دکتر غنی از ذخایر علمی و فرهنگی ایران بود و گذشته از این که در رشته طب مهارت و تخصص داشت از عرفان و تحقیقات در این زمینه بهره‌مند بود. در اواخر عمر مدتها گرفتار بیماری بود و در آمریکا معالجه می‌کرد و بالاخره در همان مملکت جان سپرد و در ساحل اقیانوس کبیر مدفون شد. به گفته مرحوم دکتر فیاض دو دریا در کنار هم. رساله دیگری که از او در سلسله انتشارات مجله چاپ کردم "بحثی در سیاست" عنوان دارد و این رساله هم خواندنی و پر معنی است.

* * *

مرحوم استاد علی محمد عامری رحمه الله علیه وقتی درباره زندگی ایل قشقایی ترجمه‌ای از مأخذ خارجی فرموده بود که با تصاویری رنگین در مجله به چاپ رساندم و چون در آن هنگام بزرگان این قوم مضروب بودند اقدامی بی‌واهمه نبود. بعد از آن بود که رساله بحثی در تصوف از دکتر غنی بنام و عنوان ملکی خانم انتشار یافت. باید گفت که ملکی خانم تحصیلات عالی را در سوئیس سپایان برد و خانمی است دارای ادب و عرفان و استعداد که علوم اکتسابی و ادب نژادی و خانوادگی را توأمان فرموده است.

اصحاب چهارشنبه

سال هاست که روزهای چهارشنبه عده‌ای معدود از استادان و عالمان در مدرسه عالی سپه سالار ناهار را با هم هستیم. این‌که بنده خود را در زمره آنان شمردم از ناچاری است و گرنه من نه استادم نه عالم و نه هنرمند و از هر روی که بنگرید در صف نعال آنانم. این بزرگان هر یک دارای مقام شاخ علمی و استادان درجه اول ایران هستند. اگر اینان وجود نداشتند ادبیات و علوم و معارف ایران کمترین رونقی نداشت و این چه می‌گویم مجامله و ستایش خالی از مغز نیست. از این عده چندتن از جهان رفته‌اند و چندتن در قید حیات اند که خداوند تبارک و تعالی وجود مبارکش را نگاهبان باد. گذشته از مراتب علمی، هر یک دارای شرافت انسانی و مردمی و بزرگواری و امانت هستند.

من این گویم و کس نکوید که نیست
 که بی ره فراوان و ره اندکی است
 این بزرگواران همواره با مجله یغما هم‌کاری و توجه داشته‌اند و آثار هریک در مجله پراکنده آمده است و ادب پژوهان و محصلان زاست که آن آثار را مکرر بر مکرر بخوانند و استفاده و بهره ببرند .
 بی‌اینکه تقدیم و تاءخیری دراسامی آنان رعایت شود ، در باره هر کدام آنچه به فهم ناقص و نارسای خودم در یافته‌ام ، یاد می‌کنم و اطمینان می‌دهم که از راه راست و طریق مستقیم انحرافی نخواهد بود .

۱- احمد راد . آقای راد از مردان نیک روزگار است (چون دیگران که نام می‌برم) . شرح حال او را برادر دانشمند اقبال یغمائی در مجله یادکرده و خواننده اند و می‌خوانند . راد از صاحب‌منصبان قدیم و شریف وزارت فرهنگ است . مدتی مدیر کل فرهنگ شیراز و خراسان بوده و ریاست اداره تعلیمات را داشته ، پس از باز نشستگی سرپرستی امور مدرسه عالی سپهسالار را به او سپرده اند و اجتماع آقایان اساتید که نام می‌برم در مدرسه روزهای چهارشنبه از لطف اوست که پس از انقلاب و تبدیل نام مدرسه بر قرار مانده است . من در قطعه‌ای که در ستایش استاد محیط - طباطبائی گفته‌ام به این نکته اشاره کرده‌ام :

چشم همه در روز چارشنبه
 چون حلقه به در تا زدر درآئی

شماره مقالات راد ترجمه از فرانسه در مجله یغما تصور می‌کنم از یکصد بگذرد که قسمتهایی از آن به شکل کتاب انتشار یافته و این مقالات جز از یادداشت‌های متنوعی است که در بحث‌های مختلفه چاپ شده است .

۲- دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر شهیدی استاد دانشگاه است و رئیس لغت‌نامه دهخدا . آن جناب به همه ممالک اسلامی مسافرت فرموده و اسلام را چنان که هست معرفی نموده . به آیات قران مجید و احادیث مستند صحیح و به زبان عربی تسلطی عجیب دارد . مقالات متمتع او در مجله یغما به زبان فارسی و به زبان عربی درج است . در فضیلت انسانی او نمیدانم چه بگویم . هم شنا گفتن ز ماترک شناست .

۳- احمد آرام - از استادان درجه اول کشور و دارای تصانیف و تالیفات علمی است که همگان بهتر از من به عظمت مقام او پی می‌برند . در زبان و ادب عربی و انگلیسی و فرانسه استادی مسلم است . آن جناب مدتی معاون وزارت فرهنگ در دوره وزارت دکتر مهدی آذر بوده است . مقالاتی مستند و عمیق در مجله یغما دارد .

۴- استاد محیط طباطبائی - کجاست فارسی دان و فارسی خوانی که از مقالات متنوع و مستند محیط طباطبائی بهره نیندوخته باشد . فهرست تالیفات و مقالات او را باید در کتابی که به نام وی انتشار یافته دید . نام آن کتاب " محیط‌ادب " است .

۵- دکتر مهدوی دامغانی - از نوادر علما و دانشمندان ایران مستوغل در ادبیات عرب است و بی‌گرافه گوئی استاد مسلم در رشته‌های گوناگون ادب . هیچ شاعری و حکیمی و نویسنده‌ای از عرب عصر جاهلی و مخضرمین و معاصرین نیست که دکتر مهدوی کتاب او را خوانده و اشعار او را از

حفظ نداشته باشد و از نظر انتقادی و حکمی و سنجش حکم و داوری بصیر نباشد. در مکالمه اش چندان از نوادر ادب و امثال اشارت می‌رود که مخاطب از درک بیان او وا می‌ماند و شرمنده می‌شود چون بنده ناچیز.

سلسله مقالات او در معرفی گویندگان اشعار عربی مرزبان‌نامه و شرح قصاید ائمه عرب زبان و دیگر آثار مستند و با مغز او در مجله یغما گواهی است در آستین بر این دعوی‌ها. دکتر مهدوی سلسله مقالات اشعار مرزبان‌نامه را که مخصوصاً "مورد استفاده" محصلان دانشگاه بود قطع کرد و به اصرارها و درخواست‌های آنان توجه نرمود و به التماس‌های من عنایت نکرد و اقرار و اعتراف می‌کنم که گناه از من بود و بیان علت آن دشوار است و ناگوار.

۶- دکتر مهدی محقق - استاد دانشگاه است با صفات ممتاز که برای ایران او برشمردم ۱۰. مقالات مسلسل او در باره اسماعیلیه و ناصر خسرو و نیشابور و جز این‌ها را در مجله می‌توان خواند. خانم او نوش‌آفرین خانم فرزند مسعود انصاری از وزیران و صاحب‌نظران ایران نیز مقالاتی ارزنده دارد که استاد دکتر زریاب‌خوئی در ارجمندی آن مقالات تقریظی استادانه دارد.

۷- دکتر موسوی بهبهانی - با همه صفات و اخلاقی که درباره همکاران و دوستانش گفته‌ام. چند مقاله در مجله مرقوم فرموده که آتشین و تند است و موجب کله و شکایت گردانندگان دستگاه شده. آن جناب سال‌ها در کشور هلاند و در دانشگاه آن جا تدریس فرموده و اکنون در دانشگاه تهران است. مقرر بود که یادداشت‌های وی در اوضاع کشور هلاند چاپ شود ولی مجله تعطیل شد. اگر آثار انتقادی او را در مجله یغما دیگر بار بخوانید عبرت‌انگیز و پندآموز است.

۸- صادق نشأت - نماینده فرهنگی ایران در مصر بود. تاریخ بیبقی و کتب دیگر ادبی فارسی را (اسامی را در نظر ندارم) از فارسی به عربی نقل فرموده. آن مرحوم مقالاتی در باره مصر به نام خانمش (قمر نشأت) مرقوم داشته که جذاب و شیرین است. در یکی از روزهای چهارشنبه با نشأت بودیم و گفتگوها داشتیم. از جلسه که بیرون شد سکتہ کرد و در گذشت. رحمة الله علیه.

۹- شیخ عبدالله نورانی نیشابوری - مجتهد مسلم و فقیه عالی مقام و امام گروه که درزی مجتهدین و طلاب است و در صورت ظاهر با اصحاب چهارشنبه تناسب ندارد. اما به معنی و لطف کلام و اصالت سخن از همه بیش است. رساله‌ای در فقه و حکمت از آن جناب در مجله چاپ شده است و جداگانه هم.

۱۰- دکتر حسین خدیو جم - از محققان و مؤلفان بزرگوار که در مجله یغما مقالات و آثاری ارزنده و مستند دارد و آخرین خدمت او نمایندگی فرهنگی در افغانستان است.

* * *

سخن را در این زمینه با این تذکار کوتاه کنم که اصحاب چهارشنبه همگان در اقصای جهان و بلاد فاره‌های مختلفه مدت‌ها زیسته‌اند و مسافرت‌ها کرده اند و همه در علوم قدیم و جدید متبحرند و همه مسلمان معتقد و فقیه‌اند، چنان که غالب آنان پیش از ناهار نماز می‌گزارند با حضور قلب. و من بنده می‌اندیشم از هیچ روی لیاقت ندارم که در جمع آنان درآیم و این بخشی است الهی و سعادت‌ی شگرف که بدان می‌بالم و افتخارها دارم.